

تبیین ادراک و مهارت آموزشی طراحی معماری نابینایان: دانش آموزان نابینای مؤسسه فرهنگی هنری بصیر تبریز

چکیده

مهارت انسان به‌عنوان عامل مؤثر در رشد و پیشرفت زندگی فردی و اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند در ارتباط او با محیط اطرافش نقش بسیار مهمی ایفا کند. مهار آموزشی در نهایت منجر به ارتقای کیفیت زندگی شده و ایده‌هایی برای بهتر زیستن ارائه می‌کند. بحث طراحی فضای معماری و شهری، از مسائل دیرین و اولیه بشر بوده که تا به امروز، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی را در فلسفه، هنر و معماری معطوف خود ساخته است. حس بینایی به‌عنوان قدرتمندترین حس از میان حواس اصلی انسان به‌شمار آمده و مهمترین حس انتقالی محسوب می‌شود و در درک سایر احساسات نقش قابل توجهی دارد. نمی‌توان بدون توجه به سطح مهارت آموزشی نابینایان و ساز و کارهای مرتبط با آنان و همچنین مشارکت این قشر در فرایند پژوهش به مداخله و طرح‌ریزی‌هایی جهت ارتقای کیفیت زندگی نابینایان اقدام کرد. در همین راستا و در قالب یک فعالیت تجربی، به این مقوله پرداخته شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کمی و کیفی انجام شده است. ابتدا با اتکا به روش تحلیل مقایسه‌ای از آزمون‌های قبل و بعد از دوره‌های آموزشی و سپس جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون شایپرو-ویلک و جهت بررسی سطح مهارت نابینایان در دوره‌های قبل و بعد آموزش از آزمون «خی‌دو» و برای نتیجه‌گیری و مشخص نمودن سطح معناداری دوره‌ها از آزمون علامت استفاده گردید و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌داد که بهره‌گیری از شیوه‌های آموزش مقدماتی معماری و شهرسازی در این امر می‌تواند تأثیر معنادار و به‌سزایی در ارتقای کیفیت و کمیت سطح طراحی فضای معماری و شهری در نابینایان داشته باشد. همچنین این نتایج گواه آن بود که با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی مناسب می‌توان کیفیت زندگی نابینایان را ارتقا بخشید.

اهداف پژوهش:

۱. افزایش سطح ادراک فضای شهری و معماری در نابینایان.
۲. بررسی کارکرد آموزش بر میزان سطح ادراک و مهارت آموزشی نابینایان.

سؤالات پژوهش:

۱. چگونه می‌توان سطح کیفیت فضاهای معماری و شهری برای نابینایان را ارتقا بخشید؟
۲. آیا مهارت آموزشی نابینایان در طراحی فضای معماری و شهری می‌تواند موجب ارتقای کیفیت زندگی این قشر شود؟

کلیدواژه‌ها: آموزش نابینایان، مهارت آموزشی، ادراک، فضای معماری و شهری.

مقدمه

ادراک، فرآیند زیست‌شناختی و روان‌شناختی کسب اطلاعات از محیط است. عوامل ادراک محیط توسط گروه‌های مختلف روانشناسی و معمار به صورت‌های متفاوت طبق بندی شده‌اند؛ ادوارد هال، درک فضا را به صورت گیرنده‌های واسط که شامل چشم‌ها، گوش‌ها، بینی و همچنین گیرنده‌های بی واسطه شامل پوست و ماهیچه تقسیم می‌کند به شکل خلاصه می‌توان ادراک را فرآیندی دانست که در طی آن فرد اطلاعات را از محیط پیرامون توسط حواس خود دریافت کرده و پس از آن به وسیله مغز تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کند. محیط به عنوان منبع اطلاعات پیش روی انسان قرار دارد. در برخورد انسان و محیط اولین سؤالی که مطرح می‌گردد این است که برای یک انسان چه چیز به عنوان اطلاعات وجود دارد و جواب ابتدایی وجود محیط پیرامون است. احساسات یک فرد، اطلاعاتی در خصوص محیط پیرامون انتقال می‌دهند و بنابراین ما می‌توانیم اطلاعاتی که احساسات برایمان مشخص کرده‌اند را مرور کنیم. محدوده‌ی تشخیص اندام‌های حسی، توانایی‌های فردی و عوامل دیگری نیز نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در این احساس و ادراک بازی می‌کنند. همچنین بنا بر شرایط ویژه، بعضی حواس مهم‌تر از حواس دیگر هستند؛ از جمله این شرایط، معلولیت افراد در یک حس یا حضور در فرهنگ‌های متفاوت است. تغییر و تحولات جهانی جامعه را به سمتی پیش می‌برد که افراد را به فرا گرفتن دانش و مهارت‌هایی برای برخورد با چالش‌های پیش رو نیازمند می‌کند و این مستلزم آن است که به یادگیری افراد توجه شود؛ زیرا اعتقاد بر این است که اغلب پیشرفت‌های امروز زاینده‌ی دانش و مهارت است و اساس کسب دانش و مهارت به آموزش نیاز دارد. براساس الگوی ذهنی حاکم بر فرایند یادگیری، یادگیرنده در خلال تجربه‌ی آثار و از طریق حواس خود که در بین آن‌ها حس بینایی نقش عمده‌ای بر عهده دارد، مجموعه‌ی وسیعی از اطلاعات بصری را دریافت می‌کند. تمامی این اطلاعات دریافتی، در حافظه‌ی حسی ثبت می‌شوند. در این مرحله، یادگیرنده یا به عبارتی مشاهده‌گر بخشی از این تصویر را مورد توجه قرار می‌دهد. دانش‌آموزان نابینا بیشتر برای یادگیری سبک‌های علمی، تأملی و سازمان یافته را ترجیح می‌دهند. افراد نابینا از آن جا که همیشه باید تصویری از محیط و آنچه می‌خواهند انجام دهند داشته باشند، قبل از انجام کار به تأمل می‌پردازند و بر اساس سازمان‌های کوچکی که در ذهن خود ایجاد کرده‌اند، عمل می‌کنند. اما پرسش دیگری که پژوهش پیش‌رو مطرح می‌کند ارتباط آموزش با توانایی ارتقای مهارت نابینایان در طراحی معماری و شهری است و اینکه آموزش چگونه می‌تواند در این امر نقش ایفا کند؟

درخصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی معماری برای نابینایان پرداخته‌اند. فرزین (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «ادراک نابینایان از معماری و ضوابط و الگوهای طراحی برای آنان» به بررسی چگونگی طراحی برای معماران پرداخته است. اطمینان رفسنجانی و رشیدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان: «تبیین فرایند ادراک معماری برای نابینایان» به بررسی شاخصه‌های مؤثر در فرایند ادراک برای نابینایان پرداخته است. در آثار یاد شده با جامعه آماری دقیق این موضوع پرداخته نشده است بنابراین پژوهش حاضر به روش کمی و کیفی به بررسی این موضوع می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

بررسی نمرات آزمون‌های قبل و بعد از آموزش، و تحلیل نمودار مقایسه‌ای زیر نشان می‌دهد که آموزش مقدماتی تاثیر معناداری بر روی مهارت طراحی فضای معماری و شهری در نابینایان می‌گذارد. این نتیجه گواه آن است که نابینایان از پتانسیل بالایی برای ورود به بازار کار و یا مهارت آموزی برخوردار هستند. این مسئله می‌تواند بیانگر آن باشد که با برنامه ریزی و آموزش‌های مقدماتی می‌توان سطح مهارت افراد نابینا را که حقوق برابر با سایر شهروندان کشورمان را دارند، ارتقا داد و در راستای ارائه راه حل‌هایی برای طراحی فضاهای معماری و شهری و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی این قشر قدم برداشت. از لحاظ نظری و عملکردی و با توجه به هدفی در راستای ارتقای کیفیت فضاهای معماری و شهری در جامعه می‌توان در گام اول و بر اساس تلاش بر مبنای مهارت آموزی‌های مناسب و قابل نیاز از محیط و آن چه در پیرامون می‌گذرد و سپس از توانایی‌های افراد جهت مشارکتشان برای طراحی مناسب و خلق فضایی برای خودشان بهره برد و نتایج کمی و کیفی پژوهش می‌تواند به تدوین روش‌هایی ختم شود که می‌تواند در درک بهتر از جهان هستی و خلق فضاهای معماری مناسب برای تمامی اقشار جامعه نمود پیدا کند و در قالب قوانین و استانداردهای نو و رو به جهش و قابل استناد در این راستا تدوین گردد.

پیشنهادات ارائه شده بر اساس نتایج پژوهش را می‌توان از چند بُعد مختلف مورد تحلیل قرار داد که در ادامه بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

بُعد اجتماعی: حضور و نقش موثر نابینایان در جامعه و درک بهتر از جهان هستی و خلق فضاهای مناسب و اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه

بُعد روانی: ایجاد اعتماد به نفس و استفاده از توانایی‌های افراد جهت مشارکتشان برای طراحی مناسب و خلق برای نیل به آسایش و رفاه در زندگی.

بُعد انسانی: ارتقای کیفیت زندگی افراد نابینا در جامعه.

بُعد اقتصادی: آموزش مهارت طراحی فضاهای معماری و شهری به نابینایان نه تنها می‌تواند بر روی ادراک فضایی آن‌ها اثر گذاشته و منجر به مشارکت آنان در فرآیند طراحی فضاهای معماری و شهری شود بلکه از لحاظ اقتصادی نیز می‌تواند موجب ایجاد اشتغال و ارتقای کیفیت زندگی این قشر شود.

همچنین بر پایه‌ی این پژوهش می‌توان نتایج زیر را نیز به عنوان بخشی از نتایج برآمده به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از پژوهش تبیین کرد:

۱. نتیجه‌ی آزمون‌های قبل و بعد از آموزش، هم از طریق بررسی میانگین نمرات داده شده (کیفی) توسط اساتید و هم از لحاظ بررسی توسط آزمون t (کمی)، نشان می‌دهد که آموزش به نابینایان، فرایند مهارت آموزی در آنان را افزایش می‌دهد.

۲. آموزش با در نظر گرفتن شرایط جسمی می‌تواند فرد را به مهارت جدیدی هدایت کند؛ مهارتی که در بسیاری از موارد می‌تواند شرایط زندگی را برای وی بهتر کرده و باعث کاهش مشکلات شود.

به عنوان نتیجه‌ی کلی می‌توان بیان نمود که بدون حضور موثر نابینایان در جامعه و نقش این قشر در فرآیند طراحی فضاهای معماری و شهری نمی‌توان به پاسخ جامعی در رابطه باریع مشکلات و نیازهای این قشر رسید. لذا آموزش های صحیح مهارت آموزی در راستای طراحی فضای معماری و شهری می‌تواند پتانسیل بالای قشر نابینایان را برای حل مشکلات جامعه شکوفا کرده و از این استعدادها بهره برد. همچنین با مهارت آموزی و ورود به بازار کار این قشر، می‌توان باعث بهبود وضعیت معیشتی این قشر گردید.

منابع:

اسلامی، سیدغلامرضا. (۱۳۸۸). «رویکرد طراحی جمعی در معماری». نشریه علمی پژوهشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۳۹): ۴۷ - ۶۰.

اسلامی، سیدغلامرضا؛ صادقی، مهرنوش. (۱۳۹۲). «رویکردی اسلامی به مدل ساختارمند نظام آموزش معماری». کیمیای هنر ۲ (۷): ۷۹-۹۲.

امراللهی، غزاله؛ سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۵). «نقش روانشناسی محیط و ادراکات حسی در طراحی فضای معماری برای کودکان دچار اختلالات بینایی». هنر، ش ۲، ۱-۲۰.

امینی، سارا؛ فلامکی، محمدمنصور و کرامتی، غزال. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی خیال در فرایند طراحی معماری». باغ نظر ۱۶ (۷۲): ۶۴-۵۳.

ایروانی، محمود. (۱۳۷۱). روانشناسی احساس و ادراک. تهران: سمت.

تقدیر، سمانه. (۱۳۹۶). «تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۴): ۶۹-۴۸.

خندقی، امین؛ رجایی، ملیحه. (۱۳۹۲). «بهبود کیفی طراحی بر پایه‌ی مدیریت بهینه‌ی عوامل موثر». مطالعات معماری ایران (۳): ۶۷-۸۴.

سلطان قرائی، صبا. (۱۳۹۶). با من قدم بزن. تهران: شیخ شرفی.

شفیعی، روشنک. (۱۳۸۵). شریفی درآمدی، نابینایی و ادراک محیط. تهران: سپاهان.

فرزین، احمدعلی؛ شیبانی، ارغوان. (۱۳۸۹). «ادراک نابینایان از معماری و ضوابط و الگوهای طراحی برای آنان». باغ نظر (۱۳): ۶۱-۷۲.

فرزیان، محمد؛ کرباسی، عاطفه. (۱۳۹۳). «یادگیری از راه ساختن در آموزش معماری». هنرهای زیبا (۳): ۸۷-۹۶.

فیضی، محسن؛ دژپسند، ساحل. (۱۳۹۷). «واکاوی سبک‌های یادگیری دانشجویان برای ارتقای آموزش معماری». مطالعات معماری ایران (۱۴): ۱۷۰-۱۴۹.

علاقمند، سپیده. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی معماری و محتوای مدارس ایران از دوره سنتی تا نوین»، مجله علمی پژوهشی پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر (۴۹): ۱۵-۸.

کاکاوند، علیرضا. (۱۳۸۸). روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی. تهران: روان.

معظمی، منوچهر. (۱۳۹۰). «تلقی استاد از فضا و تاثیر آن بر آموزش معماری». هنرهای زیبا (۴۸): ۵۷-۶۸.

مهدوی پور قائم مقامی، حسین. (۱۳۹۱). «سرمشق» الگویی جهت استفاده از آثار معماری در آموزش طراحی معماری». پایان نامه‌ی دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). رجوع معمارانه به گذشته. پایان نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نداف فرد، شیرزاد. (۱۳۷۹). مبانی نظری و عملی احساس و ادراک نابینا در معماری. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.

Austin, Z. (۲۰۰۹). What's your style? Learning styles for better learning and teaching. University of Toronto, Canada. ۱-۴.

Bachelard, G. (۲۰۰۹). The Poetics of Space. Beacon Press, Boston. ۷.

Carney, S. Engbretson, C. Scammell, K. Sheppard, V. (۲۰۰۳). Teaching Students with Visual Impairments. ۴۷.

Levin, David Michael. (۲۰۰۳). Decline and Fall - Ocularcentrism in Heidegger's Reading of the History of Metaphysics. ۲۰۵.

Fernando, N., & Amilani Hettiarachchi, A. (۲۰۱۶). BLIND SENSE OF PLACE; A sensory ethnographic study on parameters of optimal design. ۹th International Conference of Faculty of Architecture Research Unit (FARU).

Peterson, E.R. (۲۰۰۹). Researching the psychology of cognitive style and learning style: is there really a future. Learning and individual differences ۱۹. ۵۱۸-۵۲۳.

Ramaswamy, S., & Hene, H. (۲۰۰۱). Student peer teaching: an innovative approach to instruction in science and engineering education. Journal of Science Education and Technology ۱۰ (۲). ۱۶۵.

Saghafi, M. Mozaffar, F. & Moosavi, M. Fathi, N. (۲۰۱۵). Teaching methods in architectural design basics. Ciencia eNatura ۳۷ (۱). ۳۸۱.

Santrock, John. (۱۹۹۱). The science of mind and behavior. Dallas: Wm. C. Brown Publishers University of Texas. ۲۴-۲۵.